

معرفی، تلخیص و نقد کتاب «انقلاب اسلامی ایران»

این نوشتار در ۳ بخش تنظیم گردیده است الف- معرفی اجمالی ب- تلخیص ج- نقد

الف- معرفی اجمالی

عنوان کتاب: **انقلاب اسلامی ایران** (علل، مسایل و نظام سیاسی)

کتاب انقلاب اسلامی ایران تألیف آیت... عباسعلی عمید زنجانی است که ویراست دوم آن در سال ۱۳۹۱ توسط نشر معارف در (۳۲۰) صفحه به چاپ رسیده است. کتاب شامل فهرست، سخن آغازین، مقدمه و ۱۱ فصل و کتابنامه است. سخن آغازین کتاب توسط معاونت پژوهشی دانشگاه معارف (گروه انقلاب اسلامی) آورده شده است که در آن ععل و ضرورت چاپ کتاب را اینگونه بیان کرده است که کتابی از مرحوم آیت... عمید با عنوان «انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن» چاپ شده بود که به جهت متن مفصل در قالب دو واحد درسی برای دانشجویان قابل ارائه نبود و این کتاب با هدف کتاب درسی برای ۲ واحد با قلم ایشان براساس سفارش «مرکز برنامه‌ریزی و تدوین متون درسی سابق» تدوین شده است. علاوه بر حذف پاره‌ای از عناوین و محورها نوآوری کتاب در، اضافه نمودن ۲ بخش «مسائل» و «نظام سیاسی» بیان شده است. اما نکته قابل ذکر این است که جناب آقای عمید در مقدمه کتاب می‌گوید: «اگرچه این کتاب تألیف شده است اما باید انحراف نمود که این اثر در برگیرنده همه ابعاد صحیفه پر حجم و پیچیده انقلاب اسلامی نیست و تنها می‌توان آشنایی با محورهای اصلی و کلی مربوط به چستی و ریشه‌های آن را از کتاب انتظار داشت و لازم است برای توضیح کامل و بیشتر به اصل کتاب علاقمندان مراجعه نمایند.» (عمید زنجانی: ۱۳۹۱، ۱۸)

مقدمه کتاب در ۳ عنوان تنظیم شده است ۱- مقدمه ۲- پرسش‌ها و محورهای اصلی ۳- منابع غنی انقلاب اسلامی مؤلف محترم در مقدمه نکات مورد نظر خود را بیان می‌کنند. در عنوان دوم با بیان ۲ پرسش اساسی که در نگاه ایشان می‌تواند تحلیل علمی و واقع‌بینانه‌ای از انقلاب را برای مخاطبان بیان می‌کند آورده شده که پاسخ این پرسشها در بررسی ۱۱ مسئله کلی است در مورد چستی و ریشه‌های انقلاب اسلامی است. که در کتاب مورد بحث قرار گرفته است. در عنوان سوم آقای عمید از آثار ارزشمند بازمانده از امام مانند وصیت‌نامه سیاسی الهی و شاگردان امام خمینی و خصوصاً مقام معظم رهبری بعنوان منابع غنی یاد می‌کند. این اثر شامل مقدمه، ۱۱ فصل و کتابنامه است. عناوین فصول عبارتند از:

فصل اول: رویکردها و تحلیل‌ها

فصل دوم: چستی انقلاب اسلامی؛ ویژگی‌ها و اهداف آن

فصل سوم: ریشه‌های عقیدتی انقلاب اسلامی

فصل چهارم: ریشه‌های تاریخی انقلاب اسلامی

فصل پنجم: مروری بر شرایط سیاسی - اجتماعی قرن اخیر ایران (از نهضت تنباکو تا انقلاب اسلامی)

فصل ششم: ریشه‌های اجتماعی انقلاب اسلامی در دوران حکومت پهلوی

فصل هفتم: علل پیروزی انقلاب اسلامی در ایران

فصل هشتم: بازتاب و دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران

فصل نهم: آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی

فصل دهم: انقلاب اسلامی و نظام سیاسی

فصل یازدهم: تحولات پس از پیروزی انقلاب اسلامی

ب- تلخیص

در این بخش ۱۱ فصل کتاب (صفحات ۲۳ تا ۲۹۴) تلخیص شده است. تلخیص مطالب، در قالب تلخیص هر فصل

بطور مجزا انجام شده است.

فصل اول: رویکردها و تحلیل‌ها (ص ۲۳ تا ۳۹)

این فصل با ۳ عنوان ۱- جاذبه و دافعه انقلاب اسلامی ۲- عناوین برخی از تحلیل‌ها ۳- نمونه‌های از محتوای برخی

تحلیل‌ها ساماندهی شده است.

در این اثر انقلاب اسلامی از آغاز پیروزی با دو رویکرد داخلی و خارجی رو به رو شد؛ بر اثر رویکرد داخلی - که

از استقبال اکثریت قاطع ملت شکل می‌گرفت - نه تنها به عنوان یک انقلاب بزرگ مردمی در عرصه تاریخ درخشید،

بلکه بر استحکام آن افزوده شد و توانست به دوران شکوفایی نیز راه یابد و عرصه‌های پنهان و نهادهای تخریب شده

جامعه را یکی پس از دیگری تسخیر و بازسازی کند. اما انقلاب در رویکرد خارجی خود چنین موفقیتی نداشت و جهان

غرب و قدرت‌های استکباری بیشتر به رویارویی با آن پرداختند. گرچه روش‌های رویارویی غربی‌ها گوناگون بود، اما در

اینکه انقلاب اسلامی را به زیان منافع درازمدت خود می‌دیدند، مشترک بود. البته استقبال ملت‌های ستم‌دیده، به‌ویژه

کشورهای اسلامی از انقلاب اسلامی، احساس خطر را در آنها تشدید کرد، چون با خیزش‌های نو، نفوذ و منافع

استعماری آنها را به خطر می‌افتاد.

به گفته آیت الله عمید بارزترین رویارویی استکبار با موج در حال گسترش انقلاب اسلامی، توسل به زور و ایجاد

شرایط جنگی برای انقلابی بود که آزادی و صلح را با خود به ارمغان آورده بود. در این میان نمی‌توان از این نکته نیز

غافل ماند که انقلابی با چنین عظمت، به‌طور طبیعی، متفکران را به تحلیل وامی داشت. بنابراین بسیاری از تحلیل‌گران با انگیزه‌های علمی - پژوهشی به این کار کشانده می‌شدند. در عین حال این واقعیت را هم نمی‌توان از نظر دور داشت که زمینه‌های فکری غلط و فضا سازی‌ها و گزارش‌های نادرست مطبوعات و راه‌یابی محققان به واقعیت‌ها را به دور از دشمنی، مشکل می‌ساخت و هر کدام از آنها را به گونه‌ای به دام خود می‌کشید. از سویی، نداشتن آشنایی کافی به اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران که در آن زمان کشوری بی‌نام و نشان و چراگاه غارت‌گرها شمرده می‌شد و نیز نبود وسایل ارتباط جمعی که بتواند واقعیت‌های جامعه به پا خواسته ایران را به گوش جهانیان برساند، موجب می‌شد تحلیل‌گران نتوانند خود را از تأثیر جوسازی‌های دشمنان انقلاب اسلامی در امان نگاه دارند. مؤلف در این فصل عناوین و نمونه‌هایی از محتوای ۲۰ تحلیل انجام شده در قالب کتاب را نام آورده است. در این میان برای قشر تحصیل کرده، به ویژه دانشجویان عزیز، شناخت درس انقلاب اسلامی، به خاطر انجام نقشی که بر عهده دارند، اگر رسالت تاریخی به‌شمار نیاید، فریضه‌ای دینی و ملی خواهد بود و شایسته است آنان از حادثه بزرگی که در عصر خود و انقلاب عظیم اسلامی که در کشورشان رخ داده است، تحلیلی واقع‌بینانه داشته باشند.

مؤلف محتوای ویژه و علل و عوامل مخصوص انقلاب اسلامی را اینگونه بیان می‌کند: «بی‌گمان اگر برای تحلیل انقلاب اسلامی، زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی انقلاب کبیر فرانسه یا انقلاب مارکسیستی روسیه، چین و دیگر انقلاب‌هایی را که در شرایط فکری و اجتماعی ویژه خود به‌وجود آمده‌اند، مطرح کنیم، گرچه ممکن است به تشابه‌های شکلی برسیم، اما تحلیل‌ها به همان اندازه گمراه‌کننده خواهد بود که بخواهیم از ریشه‌های انقلاب اسلامی برای تحلیل آن نوع انقلاب‌ها بهره‌گیریم. هر چند می‌توان از نظر شکلی انقلاب‌های بزرگ تاریخ را به کمک واژه‌های سیاسی طبقه‌بندی نمود، ولی هر انقلاب محتوای ویژه و علل و عوامل مخصوص خود را دارد که باید در تحلیل‌ها به‌عنوان ملاک‌های اساسی مورد توجه قرار گیرد. به هر حال در تحلیل انقلاب اسلامی، رویکرد تحلیل‌گر به هر کدام از نظریه‌های انقلاب باشد، نباید با نادیده گرفتن تاریخ عینی انقلاب اسلامی و غفلت از واقعیت‌های انکارناپذیر آن باشد.

در نظر ایشان تضمین یک انقلاب هنگامی ممکن می‌شود که راه کارهای مناسب با اهداف آن، به شکلی قانون‌مند در جامعه نهادینه شود. این فرایند، در مورد انقلاب اسلامی، با طراحی «قانون اسلامی جمهوری اسلامی ایران» به‌وجود آمد و استمرار آن تضمین شد و حاکمیت به مفهوم انقلابی، مردمی و اسلامی آن، در حاکمیت قانون اساسی شکل اجرایی به خود گرفت. در مورد ویژگی و تفاوت اصولی انقلاب اسلامی با دیگر انقلابها مؤلف می‌گوید: «تئوری‌های انقلاب وجه مشترک انقلاب‌های بزرگ جهان را روشن می‌سازد، اما انقلابی با محتوای اسلامی به علت تفاوت اصولی با انقلاب‌های

دیگر، در چارچوب تئوری‌های مربوط به آنها تحلیل شدنی نیست. و هر کدام ابزارها و راه‌کارهای ویژه خود را می‌خواهند و زمینه، تاریخ و علل و عوامل مخصوص خود را دارند.» (همان: ۲۸ تا ۳۰)

فصل دوم: چیستی انقلاب اسلامی؛ ویژگی‌ها و اهداف آن

در این فصل مؤلف مفهوم، چیستی و ویژگی‌های انقلاب اسلامی را بیان می‌کند و اهداف انقلاب اسلامی را زبان امام خمینی (ره) بازگو می‌کند. در نگاه مؤلف انقلاب اسلامی مفهومی گسترده از آنچه در تعریف انقلاب گفته می‌شود دارد زیرا با اینکه بسیاری از تعریف‌ها می‌تواند بر انقلاب اسلامی منطبق باشد، ولی در تحلیل نهایی نمی‌تواند جامع و مانع باشد.

بنابر تعبیر ایشان، معمولاً در فرهنگ‌های سیاسی و علوم سیاسی، انقلاب را به یکی از دو صورت ذیل تعریف می‌کنند.

۱- سرنگونی نظام اجتماعی کهنه و فرسوده و جایگزینی آن با نظام اجتماعی نو و پیشرفته.

۲- سرنگونی حکومت طبقه یا طبقه‌های رو به زوال و واپس‌گرا و جایگزینی آن با نظام اجتماعی جدید و پیشرو، و حکومت طبقه و یا طبقه‌های پیشرو و بالنده.

در تعریف انقلاب در علوم مختلف آقای عمید معتقد است: «در فلسفه سیاسی و علوم سیاسی - اجتماعی، با دو دیدگاه متفاوت به انقلاب نگریسته می‌شود، انقلاب به مفهوم سیاسی آن، بیشتر به نشستن ناگهانی و خشن گروهی که حکومت را در دست نداشته‌اند، به جای گروهی که قدرت سیاسی و اداره کشور را در اختیار داشته‌اند، گفته می‌شود.» (همان، ص ۳۳)

مؤلف در تعریف مفهوم انقلاب از دید جامعه‌شناختی، با نقلی از کتاب مبانی سیاست ابو‌الحمد از مفهوم انقلاب اذعان می‌دارد که انقلاب، بیشتر به امور اجتماعی مربوط می‌شود، تا امور سیاسی و بر نقش اراده انسانی، پیشرو بودن دگرگونی انجام گرفته و تخریب و قهرآمیز بودن تأکید می‌شود. بنابر این تحلیل جامعه‌شناسانه انقلاب اینگونه بیان می‌شود: «باز یافتن ترکیب علل عمومی و علل فرعی که تاروپود رویدادها را به هم می‌بافند.» (همان: ص ۳۶) نکته مشترک بین تبیین سیاسی و جامعه‌شناسی مفهوم انقلاب تفاوت آن با کودتا و دیگر تحولات اجتماعی - سیاسی است.

در تحلیل چیستی انقلاب اسلامی مؤلف گرامی با بیان تمایزات دیدگاه اسلام در مورد انقلاب، با تفسیر غربی و مارکسیستی چیستی انقلاب اسلامی ایران را بیان می‌کند. در نگاه ایشان در تحلیل اسلامی، عامل عمده انقلاب، آرمان‌خواهی و عقیده به مکتبی است که نخست گروه پیشرو (مجاهدان) را وارد میدان مبارزه انقلابی می‌کند و سپس با بسیج گسترده توده‌ها، آن را به درون جامعه می‌کشاند و به صورت مردمی به پیروزی می‌رساند. همچنین از دیدگاه اسلام، انقلاب نوعی

جهاد داخلی است که در آن جمعی برای خدا (فی سبیل الله) و گروه دیگر به خاطر کفرشان می‌جنگند. کما اینکه مطالعه مختصر تاریخ انبیاء و مسائل مربوط به استضعاف و استکبار در قرآن، نشانگر فرهنگ سیاسی اسلام است که تلاش، مبارزه و انقلاب اسلامی در راستای منافع مستضعفان و محرومان قرار می‌دهد و اصولاً نهضت‌های رهایی‌بخش انبیاء به سود مستضعفان بود، هر چند ایمان به مکتب الهی ریشه و عامل اصلی این نهضت‌ها است؛ مکتبی که فطرت انسانی را مخاطب قرار می‌دهد و استثمارگر و استثمار شده را به عدالت و ارزش‌های الهی فرا می‌خواند. عامل اصلی ایجاد مرحله نخست انقلاب اسلامی، انقلاب از درون آغاز است. بدین دلیل است که انبیاء می‌کوشند انسان را از درون آزاد سازند تا چنین انقلابی روی ندهد، نمی‌توان امید چندانی به پیروزی حرکت‌های انقلابی داشت.

بدیهی است برای معرفی چستی انقلاب اسلامی باید ویژگی‌هایی که موجب وجه تمایز آن با انقلاب‌های دیگر است مد نظر قرار گیرد. در نظر آقای عمید بی‌شک انقلاب اسلامی یک دگرگونی «اجتماعی - سیاسی» ریشه‌دار و اساسی بود که با جای‌گزینی نظام سیاسی نوین، و انتقال ناگهانی قدرت همراه شد. قیام قهرآمیز و میلیونی توده‌ها از عوامل تعیین‌کننده آن به‌شمار می‌آید. عامل اقتصاد - به مفهوم تبعیض و فقر ناشی از اقتصاد وابسته و فرسوده رژیم حاکم - نیز به گونه‌ای در این تحول بنیادین مؤثر بود و در یک کلام همه عناصر موجود در انقلاب‌های بزرگ دنیا را در انقلاب اسلامی می‌یابیم. با این وجود هیچ‌کدام از تعریف‌های ذکر شده توسط صاحب‌نظران در انقلاب اسلامی که در هر کدام آنها عناصر فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، به گونه‌ای عامل مؤثر شمرده می‌شوند، کافی نیست و صرفاً از دیدگاه نویسنده شاخص‌های اصلی انقلاب در این تعریف قابل مطالعه است: «انقلاب اسلامی، دگرگونی بنیادی در ساختار کلی جامعه و نظام سیاسی براساس «جهان‌بینی»، «موازن و ارزش‌های اسلامی»، «نظام امامت»، «آگاهی و ایمان مردم»، «حرکت و پیش‌گامی متقیان» و «قیام قهرآمیز توده‌های مردم» است.» (همان: ص ۳۷) در نگاهی جامع نویسنده محترم ویژگی‌های انقلاب اسلامی را در ده عنوان توضیح می‌دهد. در نگاه ایشان این ده نکته به نسبت دیگر ویژگی‌های انقلاب برجستگی بیشتر دارند.

۱. عقیده و ایمان

۲. اسلامی بودن انقلاب

۳. معنویت انقلاب اسلامی

۴. قدرت رهبری و نفوذ معنوی آن

۵. قیام یک‌پارچه مردم

۶. مراکز آگاهی‌بخش و کانون‌های اصلی نهضت

۷. وحدت و هماهنگی مراکز الهام بخش انقلاب اسلامی

۸. مشخص بودن راه از آغاز حرکت

۹. ایثار و شهادت

۱۰. پیشتاز بودن روحانیت مبارز

نکته قابل ذکر در پایان این فصل از نظر نویسنده توجه به عوامل دچار شدن انقلابها به استبدال است که مؤلف با استناد به آیه ۶۱ از سوره بقره به مخاطبان یادآوری می کند و دلایل وقوع استبدال به عنوان یک حادثه اسف بار را به مرزبندی نشدن حرکتها، اهداف، انگیزه ها و اصول پیش بینی نکردن توطئه ها، تحریفها و شگردهای فرصت طلبان و دشمنان پنهان می داند. ایشان با جمله ای از امام خمینی در لزوم وحدت ملت این بخش را به اتمام می رساند.

فصل سوم: ریشه های عقیدتی انقلاب اسلامی

نویسنده محترم در این فصل در ابتدا در بیان و تحلیل ریشه های عقیدتی انقلاب اسلامی نقش عقیده، ایمان و باورهای عمومی اشاره می کند. و با بهره گیری از مبانی تفکر سیاسی در قرآن و اصول امامت و رهبری در اسلام به بر شمردن ۲۸ مؤلفه شکل دهنده این ریشه ها در قرآن و سه نوع امامت معصومین و فقهاء می پردازد. اما در نگاه ایشان بازگشت همه عوامل در تحلیل نهایی به یک عامل اساسی یعنی و «اعتقاد و ایمان مردم» است. در حقیقت محور و شاخص های اصلی انقلاب اسلامی، همان مکتبی و اسلامی بودن آن است. این شاخص را می توان در ماهیت انقلاب اسلامی و سیر مبارزه مردم مسلمان ایران، از ابتدای نهضت تا پیروزی آن به روشنی نشان داد.

مؤلف اعتقاد به اینکه اسلام تنها مکتب جامع و توحیدی است که با داشتن طرحی کامل برای زندگی بشر، می تواند عدالت، صلح، امنیت، آزادی و ارتقای معنوی انسان را تضمین کند را بیان می کند و عامل اصلی پیدایی، رشد و پیروزی انقلاب اسلامی می داند. آقای عمید با هدف بیان چگونگی و انواع امامت و رهبری در اسلام معنای لغوی و اصطلاحی واژه امام و امت را منظر قرآن در این فصل بطور اجمال بیان می کند.

دو واژه امام و امت از ریشه أم، به معنی اصل، ریشه، مبدأ، مادر، چیزی که اشیای دیگر با آن ارتباط دارند، محل بازگشت، مقصد، رئیس، ستون، وسط، مرکز، آهنگ و عزیمت کردن گرفته شده است. دقت در این معانی نشان می دهد حرکت، هدف و تصمیم گیری آگاهانه، همراه معنای امام و امت است و امام را نمی توان به پیشوا و رهبر و امت را به جمعیت و ملت ترجمه کرد. این نوع از رهبری - خواه ناخواه - سعادت به مفهوم مادی و بهتر زیستن به معنای دنیایی را نیز به دنبال خواهد داشت، ولی این دو هرگز به عنوان هدف اصیل، مطرح نخواهند بود.

از منظر قرآن، امام انسان کاملی است که امت را از سازمان سیاسی و نظام اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی برخوردار سازد که در شرایط حاکم، امکان دگرگونی و تکامل هرچه بیشتر و سریع‌تر برای امت، طبق موازین و ارزش‌های مکتب، فراهم شود. امام باید تمام وجودش را صرف تحقیق این مسئولیت کند و هدفش نیز خدا باشد در این راه پرخطر و دشوار، به گونه‌ای عمل کند که اسوه دیگران شود. در طرح کلی امامت در اسلام، سه نوع رهبری پیش‌بینی شده است که به صورت طولی و به ترتیب عبارت‌اند از: امامت انبیاء(ع)، اوصیا و ائمه معصومان(ع) و فقها. نویسندگان با نگاهی بسیار گذرا امامت انبیاء(ع) و الگوهای از امامت انبیا مانند امامت حضرت ابراهیم، موسی و پیامبر اسلام(ص) و معیارهای کلی در زمینه شرایط، شیوه امامت و ایثارگری‌هایی که پیامد امامت در قرآن است بیان می‌کند. در ادامه از امامت معصومان(ع) بعنوان تداوم رسالت و نبوت نام می‌برد و در نهایت از با تعریف معنای ولایت (با فتح واو) که اصطلاحی فقهی است که در مواردی چون ولایت وکیل در زمینه مورد وکالت، مادر در سرپرستی کودک، متولی نسبت به موقوفات تحت تولیت، ولی دم در قصاص پدر در برخی از مسائل فرزند، وصی نسبت به موارد وصیت و نظایر آن به کار می‌رود در ادامه توضیحاتی در موضوع ولایت فقها می‌دهد و بیان می‌دارد «از جمله مواردی که ولایت در آن بیشتر استفاده می‌شود، مسئولیت‌ها و اختیاراتی است که فقیه جامع‌الشرایط در زمان غیبت امام معصوم(ع) عهده‌دار می‌شود؛ و به همین لحاظ واژه ولایت فقیه برای او به کار می‌رود. در سلسله مراتب امامت، فقیه در زمان غیبت امام معصوم(ع) مسئولیت امامت را بر عهده می‌گیرد و همان اختیاراتی را که امام معصوم(ع) برای رساندن رسالت، نگاهبانی از دین، اجرای احکام الهی، اداره حکومت و رهبری جامعه داشت، او نیز بر عهده دارد. (همان:ص ۷۳)

فصل چهارم: ریشه‌های تاریخی انقلاب اسلامی

نویسنده محترم در این فصل ریشه‌های تاریخی انقلاب اسلامی را با مروری بر نهضت‌های نوگرایانه در اسلام معاصر خصوصاً با محوریت ۴ نهضت ساماندهی می‌کند در ابتدا ایشان بررسی تاریخی سیاسی در یک قرن اخیر جهان اسلام را لازم می‌داند و با اذعان به اینکه جمعی از تحلیل‌گران تاریخ سیاسی یک قرن اخیر جهان اسلام تصور کرده‌اند اندیشه‌های سیاسی سید جمال‌الدین که با شیوه انقلابی و نوگرایانه در تفکر سیاسی اسلام همراه بوده را زیربنای نهضت‌های احیای تفکر دینی در جهان اسلام است می‌گویند: «از این رو لازم است این نهضت‌ها سید جمال در مصر، شیخ محمد عبده (۱۲۶۶ق)، عبدالرحمن کواکبی(۱۲۶۶ق) و حسن البنا(م. ۱۳۶۸ق) را که هم‌زمان با تحولات سیاسی در ایران رخ داده‌اند، بررسی و میزان تأثیر متقابل آنها را تحلیل کنیم.» (همان:ص ۷۹ تا ۹۰) در بیان تعامل و تأثیر متقابل نهضت‌های اسلامی هم‌زمان می‌گوید: «نزدیکی فکری بین دو مذهب عمده اسلام موجب شد اجتهاد که در مذهب تشیع اصالت ویژه‌ای دارد، به تفکر سیاسی سنی منتقل شود و اندیشه‌های سیاسی شیعی نیز از محتوای سیاسی سنی، مثل اجماع، بیعت و تکیه بر آرا،

تأثیر پذیرد» (همان:ص ۷۹) در مورد سید جمال الدین هم علاوه بر نقش سید در ایجاد وحدت شیعه و سنی اظهار می دارد: «گرچه سید در هر دو حوزه تفکر اسلامی تعلیم دیده بود، بیشتر اندیشه‌هایش متأثر از آموزه‌های شیعی بود. به همین سبب اندیشه‌های او در کشورهای اسلامی، نزد مردم سنی و حتی علمای آنان تازگی و گیرایی ویژه‌ای داشت» (همان:ص ۸۰) اشاره مؤلف به نقش جذب روشنفکران و ملی‌گرایان توسط سید باور دارد و می‌گوید: «وقتی او از اعتقاد مردم در زمینه تسلیم به وضع موجود و تکیه به تقدیر الهی سخن می‌گفت و اسلام را دین اختیار می‌شمرد، آنها الگویی از دموکراسی غربی را که مشارکت همگانی مردم در سرنوشت سیاسی و تکیه به آرای عمومی و آزادی‌ها را توصیه می‌کرد، باز می‌یافتند» (همان) در نظر مؤلف شیعه یا سنی بودن و ایرانی یا افغانی بودن سید نقشی در بحث ما ندارد و مهم کاری است که سید توانسته انجام دهد یعنی یک جریان تاریخی به همراه راه اندازی تفکر نوخواهی اسلامی در کشورهای اسلامی و بسیج مردم و علمای سنی برای مبارزه سیاسی بر مبنای اندیشه‌های سیاسی-مذهبی و نزدیک کردن حرکت‌های ریشه دار سیاسی در دو حوزه اسلام یعنی تفکر شیعه و سنی. مؤلف در این قسمت با بررسی برخی از نهضت‌ها به این نتیجه برسد که با پیوندی که در قرن اخیر بین نهضت‌های اسلامی جهان اسلام با تلاش سید جمال الدین اسدآبادی و اندیشمندان اهل سنت بوجود آمد، همه آنها به یک حرکت انقلابی در نیمه دوم قرن سیزدهم هجری تبدیل شدند و مناطق گسترده‌ای از جهان اسلام مانند مصر، لبنان، اندونزی، و..... و همچنین ایران را زیر پوشش موج عظیم بیداری مبارزه قرار دادند (همان:ص ۸۲)

فصل پنجم:

مروری بر شرایط سیاسی - اجتماعی قرن اخیر ایران (از نهضت تنباکو تا انقلاب اسلامی)

مؤلف بررسی شرایط سیاسی - اجتماعی قرن اخیر ایران با تقسیم دوران مشروطه در ۵ دوره بررسی می‌کند.

دوره اول: آغاز مشروطیت (۱۲۸۷-۱۲۸۵ ش)

دوره دوم: تجدید حیات مشروطیت (۱۳۰۲-۱۲۸۸ ش)

نهضت‌ها و مقاومت‌های دیگر

۱. نهضت سردار جنگل

۲. قیام خیابانی در تبریز

۳. قیام تنگستانی‌ها

دوره سوم: آغاز دیکتاتوری (۱۳۲۰-۱۳۰۲ ش)

دوره چهارم: عصر سلطه آمریکا (۱۳۳۲-۱۳۲۰ ش)

دوره پنجم: دیکتاتوری شاه و سلطه آمریکا (۱۳۵۷-۱۳۳۲ ش)

حرکت‌های سیاسی مخالفان در دوره دیکتاتوری دوم

۱. آیت‌الله کاشانی

۲. فدائیان اسلام

۳. نهضت آزادی ایران

مؤلف گرامی شروع بحث را از سلطنت ناصرالدین شاه از نهضت تنباکو و مشروطه که در حقیقت اوج استبداد قاجاری است آغاز می‌کند و دیگر تحولات و قیامها را در ادامه با توضیح برخی از مهمترین قیام‌ها و نهضت‌ها تا پایان عصر پهلوی دوم مرور می‌کند. در نگاه نویسنده باید ویژگی‌های دوران سلطنت ناصرالدین شاه را باید زمینه‌ساز بیداری و شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی - سیاسی در قرن اخیر ایران دانست. برخی از این ویژگی‌ها را نویسنده اینگونه بیان کرده است: «در واقع استبداد ناصری که راهگشای استعمار دولت‌های خارجی، به‌خصوص انگلستان شد، لزوم همراهی دین و سیاست را در اندیشه‌ها بارور ساخت و نظریه سیاسی شیعه را در زمینه امکان طرح دولت در یک نظام عقیدتی، پرورداند و به موضع سیاسی منفی علما، شکل مبارزه سیاسی بخشید. از سوی دیگر، سفرهای پی‌درپی شاه به فرهنگ در دوران طولانی سلطنت مستبدانه، موجب گشوده شدن درهای فرهنگ غربی و رفت و آمد بیشتر خارجی‌ان شرق دوست و ایرانیان غرب دوست شد.» (همان: ص ۹۹) در نتیجه در ایران باز شدن این دو کانون در جامعه مذهبی دوران ناصری، از یک سو رقابت و جناح‌بندی جنجال‌برانگیزی را به‌وجود آورد و از سوی دیگر، رشد سیاسی مردم را به سرعت بالا برد و سرانجام در قالب یک قیام اسلامی و مردمی نتایج سیاسی روشنی را در صحنه زندگی مردم به‌بار آورد. در جناح مذهبی حرکت سیاسی جدید، شخصیت‌هایی در سطح مرجعیت شیعه، چون میرزای شیرازی، ملا محمد کاظم خراسانی و میرزای نائینی به چشم می‌خورد.

جناح دوم از روشنفکران و نوخواهانی چون میرزا ملکم‌خان، میرزا فتحعلی آخوندزاده، میرزا حسین‌خان مشیرالدوله و طالبوف تشکیل می‌شد.

در این میان، جناح سوم نیز دیده می‌شد که تأثیر زیادی در قشرهای مذهبی نوخواه داشت، از رجالی چون سیدجمال‌الدین برخوردار بود که همان اندیشه‌ها و آرمان‌های اسلامی را در پوشش شعارها و اصطلاحات غربی عرضه می‌کرد. ولی این کوشش صادقانه نتوانست در ایران، حرکت نوینی در برابر دو جناح نام‌برده به‌وجود آورد و یا آن دو را به هم نزدیک سازد. در این شرایط در نظر آقای عمید در دروان ناصری برای ایجاد تحول و تغییر اساسی تنها دو راه وجود داشت.

۱. انتخاب برنامه سیاسی درازمدت برای ایجاد تغییرات اندک و به هم پیوسته؛

۲. وارد کردن ضربه سرنوشت‌ساز بر پیکر فرسوده و منزوی استبداد با الهام از مبانی اسلام و یاری جستن از اندیشه و

احساس ملت مسلمان ایران.

در میان این دو راه نهضت تنباکو با فتوای تاریخی میرزای شیرازی مصداق راه دوم است که در نظر مؤلف موجب شکسته شدن کمر استبداد با عملکرد و رویارویی روحانیت در این شرایط در ایران شد. در مورد عامل آغاز و عامل پیروزی نهضت تنباکو مؤلف می‌گوید: «رویارویی روحانیت با سلطنت ناصرالدین شاه جنبش تنباکو، دادن امتیاز تنباکو از طرف شاه به کمپانی تالبوت انگلیسی که نتیجه بذل و بخشش‌های شاه در سفر اروپا بود نه تنها به انگلیسی‌ها امکان داد کلیه اختیارات را در زمینه کشت، توزع و فروش توتون و تنباکو به دست گیرند، بلکه براساس متن قرارداد، آنان راه‌های نفوذ همه جانبه را در زمینه سیاسی، اقتصادی و نظامی در اختیار گرفتند. در زمینه عامل اصلی پیروزی جنبش تنباکو و رهبری آن سخن بسیار گفته شده است. برخی میرزاملکم خان و بعضی سید جمال افغانی را در قطب رهبری این جنبش نشانده‌اند. عده‌ای هم مثل امین‌الدوله، اندیشه‌های سیاسی آن دو را در سرعت گرفتن حرکت نیروهای ناراضی مؤثر دانسته‌اند. در این میان کسانی نیز انگیزه‌های مذهبی آن دو را مورد تردید قرار داده و گفته‌اند: با اینکه ظاهراً در هیچ مورد نقشه‌های آن دو (میرزا ملکم خان و سید جمال افغانی) انگیزه مذهبی نداشته است، هر دو برای اجرای آن نقشه‌ها می‌خواستند از وجود علماء استفاده کنند؛ و از این رو بر آن بوده‌اند که خود در سلک گروه‌های روحانی درآورند. علماء در ابراز مخالفت با سلسله قاجار روی هم رفته در حدود یک قرن تجربه داشتند و اغلب به عنوان رهبران ملی نقشی ایفا می‌کردند. شخصیت‌هایی نظیر ملکم خان و سید جمال‌الدین در حاشیه رویدادها ایستاده بودند.» (همان: ص ۱۰۷)

از جمله دیگر تحولات در این عصر نهضت مشروطه بعد از پیروزی جنبش تحریم تنباکو به رهبری میرزای بزرگ شیرازی بود که، دو جریان مهم تاریخی را به وجود آورده بود.

نخست ظهور قدرت بی‌رقیب مراجع دینی در صحنه سیاسی کشور و رهبری علما در بسیج توده‌ها، که به شکسته شدن استبداد و از هم پاشیدن قدرت استعمار در ایران کشید و آنان را به‌عنوان مظهر آرمان‌های ملی مطرح کرد.

دوم، رشد افکار سیاسی، برای فراهم آوردن زمینه تحولات بنیادین در نظام اداری و سیاسی ایران، و شکل‌گیری نهضتی بزرگ‌تر در قالب قیام مشروطیت. هدف از نهضت مشروطیت، آن‌چنان که از تلگراف‌ها، شب‌نامه‌ها، بیانیه‌ها و سخنرانی‌ها آشکار بود، به وجود آوردن نظام اسلامی بر پایه قوانین الهی و شریعت اسلام بود و بی‌شک تحریف و تبدیل خواسته ملت مسلمان به یک نظام با مدل غربی، خیانتی نابخشودنی نسبت به آرزوها و انقلاب ملتی بود که در راه آرمان‌هایش رنج فراوان کشیده بود. اما در نگاه مؤلف. این قانون اساسی مشتمل بر پنج فصل و ۵۱ اصل بود در نهایت علی‌رغم مجلس شورا ملی با تأکید بر اسلام در متمم قانون اساسی در ایران تشکیل شد. با چشم‌پوشی از محتوای این

قانون که مبتنی بر خواسته‌های واقعی مردم نبود، اصولاً تدوین آن نیز بدون وقت کافی، با عجله و رعایت نشدن ضوابط متعارف در تدوین و تصویب قوانین اساسی و به‌طور عمده در جهت حل مسائل مجلس شورای ملی انجام پذیرفت و بسیاری از مسائل اساسی و حقوق ملت که معمولاً در قانون اساسی مطرح می‌شود، در آن نادیده گرفته شد.

فصل ششم: ریشه‌های اجتماعی انقلاب اسلامی در دوران حکومت پهلوی

در این قسمت دوران پنجاه ساله پهلوی با شرایط ویژه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، زمینه جدیدی برای رشد نهضت‌های زنجیره‌ای در تاریخ اسلام فراهم کرد و در واقع بستر جدید نهضت اسلامی در ایران بود که موجب شد انقلاب اسلامی در بستر چنین شرایط ویژه‌ای متولد شود. در نظر مؤلف شرایط اجتماعی حاکم بر پنج دهه تاریخ معاصر ایران، به‌ویژه در دو دهه اخیر (دوره پهلوی)، ضرورت احیای اندیشه انقلابی اسلام و تسلسل تاریخی نهضت‌های اسلامی را آشکار ساخت؛ ضرورتی که از وابستگی و فساد قدرت سیاسی، ظلم طبقاتی و سیاست‌های فرهنگی دین‌زدایی، مسخ هویت اسلامی و بازگرداندن ایرانیان به جاهلیت دینی - ایران قبل از اسلام - سرچشمه می‌گرفت. در حقیقت شاه و دربار با دروازه‌های تمدن بزرگ و انقلاب سفیدی که به روی ملت گشودند، بستر تاریخی را برای احیای تفکر انقلابی و تکرار تاریخی نهضت‌های اسلامی در ایران به‌وجود آوردند. از سوی دیگر نهضت اسلامی امام خمینی (ره) در حقیقت، اوج همه جنبش‌های اسلامی تاریخ اسلام و تشیع و تبلور تمام آرمان‌های انقلابی نهضت‌ها بی است که به‌طور مخاطب در کتاب تاکنون با آن آشنا شده است. از این‌رو در مطالعه این نهضت، نمی‌توان آن را تنها به‌عنوان حادثه‌ای در ارتباط با حوادث زمان در نظر گرفت، بلکه از نظر مؤلف اندیشه انقلابی و آرمان سیاسی نهضت اسلامی که سال ۱۳۴۲ آغاز شد و در سال ۱۳۵۷) پیروز شد مانند کوه آتش‌فشانی بود که یک روزه به‌وجود نیامد و ریشه در آثار ۵۰ سال پیش رهبر انقلاب نهضت امام (ره) از جمله کتاب کشف اسرار داشته است و به همین جهت خروش آن نیز در حصار زمان و مکان خاصی ننگنجد. از این‌رو باید نهضت امام را باید در سه مرحله «دوران آغازین»، «تولد» و «شکوفایی و سازندگی» مطالعه کرد.

۱. دوران آغازین نهضت (طرح حکومت اسلامی در دوره رضا خان)؛

۲. حرکت فزاینده انقلاب اسلامی (در این دوره، مروری بر اقدامات دولت امینی، انقلاب سفید شاه، لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، کاپیتولاسیون، مرجعیت امام، علت و پیامدهای سخنرانی امام خمینی در سال ۱۳۴۲، فاجعه خونین مدرسه فیضیه، قیام پانزدهم خرداد و دستگیری و تبعید امام و در نهایت مرحله جدید نهضت در نجف انجام شده است)؛

۳. روند انقلاب اسلامی تا پیروزی (وقایع از سال تا ۱۳۴۶ با طرح نظریه حکومت اسلامی توسط امام در نجف بررسی می شود در خلال بحث موضوعاتی مانند حرکت های دانشجویان و دانش آموزان در سال ۱۳۴۹، ساواک، جنگ مسلحانه توسط گروه ها، دروازه های تمدن بزرگ ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۴، حزب رستاخیز، تغییر مبدأ تاریخ به شاهنشاهی و فضای باز سیاسی سال ۱۳۵۵ در دوره ریاست جمهوری کارتر به پایان می رسد).

ریشه های اجتماعی انقلاب اسلامی ایران در کتاب توسط مؤلف با بررسی این ۳ مرحله به پایان می رسد.

فصل هفتم: علل پیروزی انقلاب اسلامی در ایران

نویسنده این فصل را در دو محور کلی ۱- پیچیدگی در چگونگی پیروزی انقلاب اسلامی ۲- پیروزی انقلاب اسلامی ساماندهی کرده است. در نگاه مؤلف گرامی پیروزی انقلاب اسلامی یک پدیده بزرگ در تاریخ معاصر ایران است و مانند هر پدیده ای، در پیدایش آن علل بسیاری مؤثر بوده اند. علت هایی که به عناصر تشکیل دهنده انقلاب اسلامی بازمی گردند، تاکنون در طی فصول ۱ تا ۶ مورد بررسی قرار گرفته است ولی آنچه در این قسمت و با عنوان علل پیروزی انقلاب اسلامی، بحث می شود، مربوط به آن عده از عناصر خارج از ماهیت انقلاب اسلامی است که به صورت یک سلسله واقعیت های عینی، در پیدایی یا شتاب زایی آن تأثیر قابل توجه داشتند. برای پی بردن به اهمیت این علت ها، باید به قدرت استبدادی شاه، میزان وابستگی او به قدرت های خارجی به ویژه آمریکا و همچنین قدرت سیاسی ناشی از حمایت ابرقدرتی چون آمریکا، توجه کرد؛ اینکه با وجود چنین حاکمیت تضمین شده ای، چگونه در ایران دگرگونی های عمیق سیاسی - اجتماعی، با شتابی غیرقابل پیش بینی، یکی پس از دیگری رخ می دهند و شیرازه نظام سیاسی متکی به چنین قدرتی را با تمام ویژگی های فرهنگی، اجتماعی و تاریخی اش از هم می باشند و زمام امور از دست شاهی که می گفت از سوی خدا به او الهام می شود و مأموریت خدایی دارد، خارج و سیر حوادث با پیوستگی ویژه به پیروزی انقلاب اسلامی منتهی می شود!

عنصر دوم و قابل توجه از نظر مؤلف در علل پیروزی انقلاب اسلامی در ایران آمریکا به عنوان حامی اول شاه بود و سران کاخ سفید که خود را در برابر افکار عمومی جهان مسئول سقوط رژیم شاه می دیدند و برای تبرئه خود و ایجاد اطمینان در دیگر مهره های دست نشانده خود دست به توجیه و تحلیل حوادث انقلاب ایران زدند و هر کدام در حد مسئولیتی که در کاخ سفید داشتند، علل و عوامل خاصی را در پیروزی انقلاب اسلامی مؤثر می دانستند. در حقیقت خاطرات و تاریخ نگاری افرادی چون کارتر برژینسکی، ونس، سولیوان، هامیلتون جردن و ژنرال هایزر، یک سونگرا نه و سازمان یافته بود که براساس روال سیاسی پتناگون، برای غافل نگاه داشتن مردم جهان سوم و سرپوش گذاشتن جنایات آمریکا و بهره گیری هر چه بیشتر از حوادث غیرقابل پیش بینی، در جهت منافع آمریکا ارائه شده است.

به بیان نویسنده به جز این گونه نقطه نظرات پیش ساخته، تحلیل‌های دیگری نیز در زمینه شناخت عامل یا عوامل تعیین کننده ابراز شده است که قبل از طرح و بررسی آنها لازم است، به سه نکته ذیل توجه داشت.

۱. بررسی دیدگاه‌های گوناگون درباره علل پیروزی انقلاب اسلامی نشان می‌دهد، بیشتر تحلیل‌ها و تفسیرهای ارائه شده، به ویژه از سوی مفسران سیاسی غرب، براساس بینش محدود در یک مقطع زمانی و بدون توجه به زمینه‌های پیچیده معیشتی و ریشه‌های تاریخی انجام گرفته است.

۲. هر کدام از تحلیل‌گران براساس زمینه فکری خود، در میان علت‌های مختلف، یک یا چند مورد را اصلی و علت‌های دیگر را فرعی معرفی کرده‌اند. از سوی دیگر، دلیل‌گزینش برخی علت‌ها به‌عنوان اصلی یا فرعی نیازمند توضیح است، ولی در بیشتر این تحلیل‌ها، چنین توضیحی وجود ندارد.

۳. طبقه‌بندی نقطه نظرها در تحلیل و تفسیر انقلاب اسلامی کاری است بس مشکل که از رابطه تنگاتنگ عوامل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و مذهبی سرچشمه می‌گیرد، زیرا هر عالم اقتصادی یا مذهبی در نهایت در ایجاد یک پدیده سیاسی، به عامل سیاسی تبدیل می‌شود و کلیه عوامل پدیده‌های سیاسی به هر شکل و با هر خصوصیت، سرانجام سیاسی شمرده می‌شوند. با توجه به این مشکل، در طرح و بررسی دیدگاه‌های مختلف از ارائه شیوه خاص طبقه‌بندی شده، خودداری شده است. نویسنده در این فصل با توضیحاتی در مورد ۲۶ عنوان از رویدادها در صدد تبیین علل پیروزی انقلاب است که عبارتند از:

۱. سیاست مدرنیزم (نوسازی)؛ ۲. ظهور قدرت جدید؛ ۳. قدرت نابسامان ایران؛ ۴. سیاست حقوق بشر کارتر؛ ۵. سیاست اسلام‌زدایی؛ ۶. همدردی و اتحاد ملت؛ ۷. آغاز مرحله نوین انقلاب اسلامی ایران؛ ۸. موج عظیم ضدشاهی؛ ۹. پیام رهبر انقلاب به نیروهای مسلح؛ ۱۰. شکست دولت آشتی ملی؛ ۱۱. کشتار جمعه سیاه و بازتاب آن؛ ۱۲. رژیم شاه در گرداب اشتباهات پی در پی؛ ۱۳. حمایت شرق و غرب از رژیم رو به نابودی؛ ۱۴. تب ملاقات با امام، میان مره‌های رژیم؛ ۱۵. ایران در چنگال حکومت نظامی؛ ۱۶. پیروزی خون بر شمشیر؛ ۱۷. کشتار اول محرم و پیام امام؛ ۱۸. راهپیمایی‌های سرنوشت‌ساز؛ ۱۹. گرایش رژیم به مخالفان گذشته؛ ۲۰. تشکیل شورای سلطنت؛ ۲۱. فرار شاه؛ ۲۲. قیام میلیونی در اربعین حسینی؛ ۲۳. بازتاب راهپیمایی؛ ۲۴. بازگشت امام خمینی به میهن؛ ۲۵. تشکیل دولت موقت؛ ۲۶. راهپیمایی رأی اعتماد.

از میان این حوادث برخی شتاب بیشتری را موجب شدند. حادثه دل‌خراش سینما رکس آبادان در ۲۸ مرداد ۱۳۵۷ - که در این جریان صدها نفر مرد و زن و کودک در آتش سوختند - نه تنها خوزستان به بند کشیده شده را به بدنه انقلاب اسلامی وصل کرد و به راهپیمایی ۲۱ رمضان - هم‌زمان با راهپیمایی‌های سراسر - منجر شد، بلکه به سقوط دولت

آموزگار انجامید و رژیم به آخرین مهره خود که بارها برای نجات از او استفاده کرده بود، متوسل شد و این گونه بود که شریف امامی - فراماسونر کهنه کار - با شعار دولت آشتی ملی، به صحنه آمد تا کشوری را که انقلاب اسلامی سراسر آن را فراگرفته بود، آرام سازد اما همان گونه که امام در پیام های خود گفته بود زمان برای آشتی دیر شده بود. رهبر انقلاب اسلامی در آستانه ماه محرم، ضربه نهایی را بر پیکر بی جان رژیم وارد آورد. ایشان در پیام تاریخی اول آذر ماه ۱۳۵۷، فرارسیدن ماه محرم را که در طول تاریخ به نسل ها راه پیروزی بر سرنیزه را آموخته است سرآغاز پیروزی بر جنود ابلیس و محور کلمه باطل شمرد. از پانزدهم آبان - که شاه به طور رسمی اعلام کرد، پیام انقلاب ملت ایران را شنیده است - شمارش معکوس برای واژگونی رژیم آغاز شد. در همان دوره بود که شاه اقدام به پیاده کردن قانون اساسی و تشکیل شورای سلطنت کرد. انتشار خبر رفتن شاه در جراید روز ۲۶ دی ۱۳۵۷، با موجی از ناباوری و شادی همراه شد.

شکست مفتضحانه دولت آشتی ملی را آشکار کرد از آن پس روز به روز بر نمایش قدرت مردم و گسترش انقلاب اسلامی افزوده شده و مردم - که تحولات درون رژیم را به معنای عقب نشینی آن تفسیر می کردند - جسورتر از گذشته، قلمروهای جدیدتری را در صحنه سیاسی کشور به تصور در آوردند.

سرانجام روز سرنوشت فرا رسید و نظام پوسیده ستم شاهی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، فروریخت و مبارزه پانزده ساله ملت مسلمان ایران به رهبری امام خمینی به ثمر رسید.

فصل هشتم: بازتابها و دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران

در این فصل مؤلف برای ارزیابی حوادث بعد از انقلاب که از آن به عنوان پیامدهای انقلاب یاد می شود، از سه مقیاس استفاده کرده است.

۱. بازتاب های انقلاب اسلامی: پیامدهایی که جریان انقلاب آنها را به صورت عکس العمل عوامل و عناصر خود به وجود آورد، به طوری که برای ایجاد آنها نیازی به طرح و برنامه نیست.

۲. دستاوردهای انقلاب اسلامی: حوادث و نتایجی که با طرح و برنامه، در چارچوب اهداف پیش بینی شده به وجود آمده است.

۳. نتایج انقلاب اسلامی، به معنای عام به کلیه حوادثی گفته می شود که از انقلاب ریشه می گیرد و بین آنها رابطه منطقی (علت معلولی) برقرار است.

در هر حال آنچه در نظر مؤلف مهم است بررسی ماهیت آن دسته از حوادثی است که به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی در ایران یا جهان اتفاق افتادند و تحولاتی را در پی داشتند. تحولات در ۲ بخش داخلی و جهانی در کتاب تقسیم بندی شده است.

۱. تحولات اساسی در داخل که در این قسمت مؤلف با مروری کوتاه در ۳ صفحه ۳۵ مورد از تحولات را متذکر می شود.

۲. رهاوردهای انقلاب در مقیاس بین الملل اسلامی و جهانی در این قسمت به خاطر اختصار مؤلف به ذکر فهرستی از ۳۰ رهاورد اشاره دارد.

فصل نهم: آسیب شناسی انقلاب اسلامی

آغاز این فصل با بیان نقاط آسیب پذیر است که موجب آسیب به انقلاب است که از منظر مؤلف بی گمان هر کدام از عوامل مؤثر در پیروزی انقلاب اسلامی، عامل تداوم آن نیز شمرده می شود و اگر آن عوامل دچار انحراف شوند یا به گونه ای مورد تهدید قرار گیرند، انقلاب اسلامی نیز آسیب خواهد دید. همچنین آن دسته از عوامل شتابزای پیروزی انقلاب که به شرایط قبل از انقلاب اختصاص نداشتند، مانند هوشیاری مردم نسبت به تحركات دشمن، در صورت غفلت یا سستی می تواند آسیب های جدی بر انقلاب وارد آورد. تأکید مؤلف بر این نکته است که، بی گمان نمی توان از میان مجموعه عواملی که به طور جمعی آسیب زا هستند، یک یا چند عامل را بزرگ نمایی کرد. با این حال، طبقه بندی آنها، کار دشواری نیست.

از نظر مؤلف اولین عامل چالش دیرینه قدرت و آزادی است که به مقتضای طبیعت انقلاب اسلامی نیز، رابطه بنیادین حکومت با رهبری فقیه جامع الشرایط و رابطه اجتناب ناپذیر آن با آزادی ها، هر گونه جای پای عوامل مداخله گر خارجی و عوامل فرست طلب داخلی را محو می کرد و حاکمیت را در سه مفهوم به هم پیوسته «استقلال»، «آزادی» و «جمهوری اسلامی» شکل می داد. آسیب شناسی انقلاب اسلامی از همین ضرورت ها و مفاهیم بنیادین سیاست و حکومت از دیدگاه انقلاب اسلامی برمی تابد. آسیب های معرفتی و کاربردی، دو نوع رویکرد انحرافی را در برخورد با انقلاب اسلامی نشان می دهد:

الف) رویکردی که ولایت فقیه را دیکتاتوری و عامل سلب آزادی ها می داند.

ب) رویکردی که آزادی مردم را به مفهوم افسار گسیختگی، شورش و رهایی به سوی فساد تفسیر می کند.

در کنار این چالش دیرینه در نظر مؤلف دیگر عوامل تهدید کننده انقلاب اسلامی را هم می بایست مد نظر قرار دهیم.

در نظر مؤلف چالش های معرفت گرایانه با چشم پوشی از اجتناب ناپذیر بودن آنها در مورد پدیده ای مثل انقلاب اسلامی، که ابعاد فلسفی، کلامی، فقهی، سیاسی، حقوقی و جامعه شناختی دارد، اصولاً تهدیدی بر انقلاب اسلامی شمرده نمی شود. عوامل تهدید کننده را باید در مسائل راهبردی و اجرایی انقلاب اسلامی جستجو کرد؛ عواملی که می توانند انقلاب را در عرصه عمل از پای در آورند یا آن را دچار آسیب های جدی کنند.

نکته قابل توجه مؤلف این است که، هرچند موارد اجرایی از آفات انقلاب به شمار می آیند، لکن تجربه نشان داده است که در مواردی این چنین - که رویارویی اجتناب ناپذیر است - از درون آفت ها عوامل تهدید کننده انقلاب بیرون می آیند. بی تردید بیان همه آن موارد نه ممکن است و نه مفید؛ ناگزیر باید عوامل تهدید کننده و آسیب رسان انقلاب را با معیارهای دقیق - حداقل به لحاظ اهمیتی که دارند - تقسیم بندی کرد. با این نگاه باید هواهای نفسانی و خواسته های غیرعقلانی را که به جای تقوا و عقلانیت نشسته، تنها عامل نابسامانی ها به شمار آورد.

راه دیگر برای آسیب شناسی انقلاب اسلامی - که با بررسی مسائل آسیب پذیر انقلاب اسلامی به دست می آید - در نگاه مؤلف به خاطر سهولت دستیابی به مسائل آسیب پذیر و قابل پیش بینی و پیشگیری بودن آنها، اهمیت ویژه ای دارد. در این مورد نویسنده به مسائل ذیل اشاره می کند:

۱. دور از دسترس بودن اهداف اصلی انقلاب و نظام.

۲. ناتوانی نظام در پیمودن خط مشی های کلی.

۳. توجیه ناپذیری مبانی انقلاب و نظام در شرایط متحول.

۴. ایستایی و بسته شدن راه های توسعه.

۵. افول معنویت و ظهور دنیامداری.

فصل دهم: انقلاب اسلامی و نظام سیاسی

از جمله موضوعات مهم و اساسی انقلاب نظام سیاسی حاکم بر جامعه است و بی تردید هیچ انقلاب و دگرگونی نمی تواند بدون نظام سیاسی مناسبی که اهداف، مبانی و خط مشی های آن را در قالب نهادهای سیاسی، اجرایی سازد و تداوم را تضمین کند، جز آنکه در شکل نظری، ماندگار باشد. مؤلف با تجزیه و تحلیل رابطه نظری انقلاب و نظام جمهوری درصدد بیان این رابطه برآمده است. در این تحلیل مؤلف دلیل وفاق و سازگاری اسلامیت و جمهوریت نظام را در الف)

مظاهر مردم سالاری دینی (ب) وجود نهادهای پاسدار اسلامیت نظام بیان می کند و مظاهر مردم سالاری دینی را در

۱. تکیه به آرای عمومی ۲. شیوه انتخاب رهبر ۳. نظام شورایی ۴. همه پرسی توضیح می دهد. همچنین نهادهای پاسدار

اسلامیت نظام را ۱. نهاد رهبری ۲. نهاد شورای نگهبان ۳. بازنگری در قانون اساسی ۴. نظارت و تنظیم قوای حاکم ۵.

مفهوم حقوقی واژه «مطلقه» ۶. مجمع تشخیص مصلحت نظام ۷. تعیین خط مشی های کلی نظام بر می شمرد.

در پایان با عنوان هشدارهای دیگر ۳ نمونه اصول از قانون اساسی که به حفظ اسلامیت نظام تاکید دارد اشاره

می کند: الف) اختیارات نمایندگان مجلس ب) جلوگیری از اجرای مقررات مخالف شرع ج) ابطال مقررات مخالف با

اسلام.

فصل یازدهم: تحولات پس از پیروزی انقلاب اسلامی

مهمترین محورهای ۳ دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در این فصل در ۷ صفحه مورد بررسی قرار گرفته است.

محورهای مهم دهه اول انقلاب اسلامی عبارتند از:

۱. ایجاد و تشکیل دو نهاد اساسی: «شورای انقلاب اسلامی» و «دولت موقت»؛

۲. ظهور اوج ایثار و شهادت طلبی فرزندان انقلاب در دفاع مقدس؛

۳. تجربه مقاومت در دوران هشت ساله دفاع مقدس؛

۴. گذر از تندباد بحران‌های سیاسی؛

۶. برچیدن طومار لانه جاسوسی؛

۷. انقلاب فرهنگی در سطح فرهنگی، آموزشی و پژوهشی، به ویژه در دانشگاه‌ها؛

۸. توسعه چشمگیر آموزش و بینش عمومی به ویژه آموزش و پرورش است.

و مهم‌ترین مشخصه‌های دهه دوم و سوم انقلاب اسلامی در ادامه توسط مؤلف اینگونه مرور شده است که دهه دوم در حالی آغاز شد که رحلت جانشوز امام(ره) پیوند مسئولان و مردم را با انقلاب و نظام مستحکم‌تر و انگزه پاسداری از دو میراث ماندگار امام(ره) را افزایش داده است. یکی از مشخصه‌های دهه دوم، بروز و تشدید چالش‌ها و نقد و نظرهای گوناگون پیرامون مسائل اساسی انقلاب و نظام اسلامی بود. در این میان، برخی با منطق و بعضی با گرایش‌های غیراصولی و حربه‌های تبلیغاتی در این چالش‌ها حضور یافتند و نقش آفرینی کردند. به نظر می‌رسد پدیده نقد و نظر و رویکرد به چالش‌های اصولی در دهه دوم پس از گذر از یک دهه تجربه، اجتناب ناپذیر بود، لکن برخی این پدیده علمی و اجتماعی را با سناریونویسی، اشتباه گرفتند و یک دهه فرصت ارزشمند را از ملت فرهیخته ایران سلب کردند. عملکرد دولت‌های دهه دوم انقلاب در این دوره، همواره امیدوارکننده بود و نسل جوان را نسبت به انقلاب مؤمن‌تر و به آینده امیدوارتر ساخته است.

با شروع دهه سوم - که ریشه در اعماق دهه دوم داشت - حال و هوای اعتدال گونه‌ای بر کشور حاکم و تجربه‌ها بیشتر شد، اما غائله‌ها و چالش‌هایی که فروکش کرده بود به صورت هیاهوی مطبوعاتی رخ نمود و نسل نورا، به جای پیوستن به خیل تجربه آموختگان انقلاب اسلامی، دچار اضطراب ساخت.

در بخش پایانی کتاب مؤلف سخن از آینده انقلاب اسلامی است که می‌گوید: «باید اعتراف کرد که هر نوع پیشگویی و پیش‌داوری در زمینه آینده انقلاب اسلامی، بدون برنامه حساب شده، نه ممکن است و نه مفید. آینده انقلاب اسلامی تنها در سایه یک برنامه جامع و قابل اجرا، تضمین شدنی است و البته گذشته و حال، همواره چراغ راه آینده است؛ به این معنا

که کدام برنامه برای آینده ترسیم و اجرا شده است تا راه آینده را از هم اکنون بتوان دید. در این صورت می‌توان گفت هدف از تدوین برنامه سوم کشور توسط مجلس شورای اسلامی و براساس خط‌مشی‌های کلی که رهبر انقلاب ترسیم کرد، پویا نگاه داشتن نظام و ایجاد شتاب در جریان آینده انقلاب اسلامی است. در برنامه سوم، همه ویژگی‌های توسعه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، علمی، پژوهشی، فرهنگی کشور دیده شده است با این وصف هنوز نگرانی‌ها از میان نرفته است، زیرا چگونگی اجرای برنامه کلان سوم است که می‌توان امیدوار یا ناامیدکننده باشد. افزون بر این باید پرسید: آیا تنها با شکوفایی اقتصادی، توسعه سیاسی و پیشرفت‌های علمی، پژوهشی و فرهنگی می‌توان به آینده انقلاب دل

بست؟ (همان: ص ۲۹۵).

۳- نقد کتاب

ضمن آرزوی مغفرت و رحمت برای مؤلف گرامی نقد کتاب در ۲ بخش تنظیم شده است

الف) نقد محتوی:

۱- نقد جدی به تدوین کتاب در تقسیم‌بندی و وزن‌دهی به موضوعات است که براساس آن صفحات کتاب تقسیم‌بندی و به موضوعات اختصاص پیدا کرده است. در کتاب که تعداد صفحات آن ۲۹۰ است، ۱۵۰ صفحه صرفاً به بحث‌های تاریخی قبل از پیروزی اختصاص داده شده و از بعد از انقلاب مسائل مهمی مانند: جنگ نرم و..... سخنی به میان نیامده و در توضیح دستاوردهای انقلاب کمتر از ۹ صفحه مطلب آمده است.

۲- امتداد نداشتن توصیفات و تحلیل‌ها مؤلف گرامی تا دهه چهارم انقلاب که بسیاری از مطالب مهم در کتاب مغفول مانده است و علی‌رغم مفید بودن مطالب کتاب به نظر می‌رسد معرفی این کتاب در دهه چهارم انقلاب از طرف معاونت امور اساتید بعنوان کتاب درسی قابل بررسی و تأمل است. خصوصاً که با توسعه فضای مجازی و استفاده بسیار زیاد از آن در بین جوانان در این عصر و شبهات زیادی که دشمنان و معاندین داخلی و خارجی در موضوع انقلاب، دستاوردها و کارآمدی نظام هر روزه نشر می‌دهند ضرورت به روز رسانی اطلاعات از دستاوردهای انقلاب و عملکرد نظام دو چندان می‌شود.

۳- در فصل اول با عنوان رویکردها و تحلیل‌ها که در ۲ قسمت آورده شده است. محتوی این فصل صرفاً عنوان تعدادی کتاب یا مقاله و یا محور محتوایی در تحقیقات و تحلیل‌ها است. که رفرنس‌های آن هم کامل آورده نشده برخی از عناوین صرفاً نام اثر و نویسنده آمده و نامه مرکز چاپ سال چاپ و ... نیامده است. ضمن اینکه با ورود ایران در دهه چهارم انقلاب با نقش‌آفرینی در عرصه‌های علمی بی‌تردید تحلیل جدید و متفاوتی از انقلاب اسلامی و ایران توسط غربی‌ها انجام شده است با توجه به اینکه به عنوان کتاب نظام سیاسی و مسایل هم گنجانده شده است لازم بود حداقل منابع تحلیل مسایل دهه سوم و چهارم هم آورده شود.

۳- محتوای فصل چهارم تحت عنوان ریشه‌های تاریخی انقلاب اسلامی محسوب نمی‌شود. در واقع عنوان فصل با محتوای ارتباط چندانی ندارد چرا که تحولات و اندیشه‌ها کواکبی، عبده، و حسن‌البناء که در شکل‌دهی اخوان‌المسلمین نقش اساسی داشته اند و در این فصل نام برده شده در بیداری و نقش‌آفرینی مسلمانان در منطقه و حتی جهان اسلام مؤثر بوده اما، صرفاً اکتفا کردن به این دسته شخصیت و تعاملشان با سید جمال‌الدین اسدآبادی به عنوان ریشه‌های تاریخی انقلاب ایران جای تأمل است خصوصاً که فصل ۵، ۶، ۷ که سیر تاریخ شکل‌گیری و علل انقلاب را بیان کرده است. نکته دیگر در این فصل در بیان شخصیت سید جمال‌الدین اسدآبادی است مؤلف در

صفحه ۱۰۸ (پاراگراف چهارم) در نقل مستقیم از دیگر نویسندگان از سید جمال‌الدین اسدآبادی با عنوان سید جمال‌الدین افغانی نام می‌برد اما ظاهراً مؤلف هم سید جمال را علی‌رغم مدارک تاریخی موثق در ملیت ایشان که ایرانی هستند افغانی می‌داند (پاراگراف پنجم) مضافاً بر اینکه در ص ۱۰۷ هم نقش سید جمال‌الدین و میرزا ملکم خان هم‌تراز گرفته شده و خصوصاً با بیان جمله «در این میان کسانی نیز انگیزه‌های مذهبی آن دو را مورد تردید قرار داده و...» و عدم ارائه تحلیلی منطبق و در خور سید شخصیت ایشان در نگاه مخاطب مخدوش و با میرزا ملکم خان همگون انگاشته می‌شود. مؤلف در بیان نقش سید جمال‌الدین در عصر ناصری (ص ۹۸) هم از سید بعنوان جناحی که از شیوه‌های تلفیق شده دو جناح مذهبی و غربگرا استفاده می‌کند نام می‌برد در صورتیکه بر اساس واقعیت تاریخی سید در مبارزه با استبداد داخلی (ناصرالدین شاه) و استعمار (انگلیس و روس) شیوه‌های درست مقابل با جناح منورالفکرهایی مانند میرزا ملکم خان داشت. در نتیجه با این گونه تحلیل از شخصیت سید جمال‌الدین اسدآبادی که به تعبیر شهید مطهری بنیانگذار نهضت‌های اسلامی در جهان اسلام بوده لازم است با دقت بیشتری تحلیل نقش آفرینانی این بزرگان انجام گیرد.

۴- فصل هشتم کتاب بازتاب‌ها و دستاوردها انقلاب اسلامی در ۹ صفحه آورده شده که ۲ صفحه تبیین ساختار بحث است و در ۷ صفحه باقیمانده در دستاوردهای داخلی صرفاً عناوینی بیان شده است که از برخی از مهمترین موضوعات مانند دستاوردها عرصه علمی - فرهنگی سخنی به میان آورده نشده است. در بخش رهاوردهای جهانی هم صرفاً عناوین کلی بیان شده است در صورتی که این بخش از اهمیت ویژه‌ای به جهت بقاء و ثبات انقلاب خصوصاً دستاوردهای بسیار زیادی که حاصل زحمات و تلاش اندیشمندان بوده برخوردار است لازم بود که نویسنده محترم از بخش‌های تاریخی قبل از انقلاب که بعضاً موازی بوده پرهیز و در این بخش مطالب مفیدی که به شناخت انقلاب برای دانشجویان مفید بود بیفزاید چرا که بینش و بصیرت نسل جدید صرفاً با ورود در اینچنین مباحثی در مورد انقلاب است که ارتقاء پیدا می‌کند. مضافاً بر اینکه بر بسیاری از مباحث تاریخی در دوران مختلف تحصیلی احتمالاً مروری داشته است.

۵- فصل نهم: در فصل نهم آسیب‌شناسی صرفاً دو دهه انقلاب در ۶ صفحه بعد از انقلاب با کلی‌گویی همراه است (ص ۲۶۵ پارگراف سوم) که مطلب چندانی را به مخاطب به دلیل کلی و اجمالی بودن نمی‌دهد. بی‌تردید لازم است. در دهه چهارم انقلاب حداقل دهه سوم هم آسیب‌شناسی شود. علی‌الخصوصی که در دهه سوم موضوعاتی مهمی مانند: جوانان، خانواده، جمعیت، وضعیت پوشش و شرایط ضد فرهنگی موجود از موضوعات بسیار چالش‌زا و آسیب‌زننده به اهداف انقلاب بوده و حرکت و مسیر انقلاب را با آسیب‌های جدی مواجه کرده است. که در متن به آن اشاره هم نشده است.

۳- در فصل یازدهم با عنوان تحولات پس از انقلاب اسلامی صرفاً دو دهه اول انقلاب در ۶ صفحه واکاوی شده است در حالیکه ما در دهه چهارم انقلاب اسلامی هشتم و در دهه سوم و سال‌های اولیه دهه چهارم تحولات بسیاری در ابعاد مختلف در کشور وجود دارد که لازم بوده حداقل با نگاهی اجمالی به آن پرداخته شود که در قسمت آینده انقلاب اسلامی که اشاره‌ای به برنامه سوم توسعه شده است در حالی که کشور در آستانه ورود به برنامه ۶ توسعه است و این نشان از این دارد که بخش‌های اینچنینی در کتاب به روزرسانی نشده است با توجه به اینکه کتاب در زمستان ۹۲ یعنی آستانه سال ۹۳ به چاپ رسیده است.

نقد شکلی:

۱. در مقدمه طبق نگارش علمی اهداف مطالب ساماندهی در کتاب، روش و ... آورده می‌شود. در مقدمه این کتاب مطالب بسیار مفیدی آورده شد. اما اولاً موارد فوق‌الذکر مدنظر قرار نگرفته است و ثانیاً بدنبال مقدمه ۲ محور فرعی دیگر آورده شده که بهتر بوده بحث عنوان کلیات یا در همان مقدمه بدون تفکیک و تحت عنوان مجزا آورده می‌شد.

۲. منابع کتاب تحت عنوان کتابنامه بدون تفکیک و بعضاً بطور ناقص منابع مختلف اعم از کتاب، نشریات، طرح‌نامه پژوهشی، منابع فارسی و عربی و سایت آمده است برای نمونه در پیش از ۲۰ صفحه منابع (ص ۳۰۹) ، عناوین روزنامه‌ها مورد استفاده صرفاً به عنوان روزنامه اکتفاء شده است که لازم است طبق روش علمی منابع جهت سهولت دستیابی تفکیک شود ولی مؤلف گرامی صرفاً به ذکر نام کلیه روزنامه‌های استفاده شده اکتفا کرده است.

۳. شکل روی جلد که احتمالاً حاکی از پرچم ج.ا.ا. است متأسفانه بخش سفید آن سیاه آمده است. رنگ سفید که معنا و مفهوم خاص خود را دارد به ضد خودش تبدیل شده است. ضمناً مثلث روی جلد اگر حاکی از ۳ ضلع مدنظر مؤلف در انقلاب اسلامی است (علل، مسایل و نظام سیاسی) بهتر بود که به نسبت مطالب کتاب اضلاع آن وزن‌دهی شود. شکل موجود با اضافه کردن مثلث جدا شده از پشت جلد سلطه و تسلط ستاره ۶ پر صهیونیست را بر پرچم ج.ا.ا آن هم با حذف رنگ سفید که نشانه صلح است تداعی می‌کند که شاید بتوان ضد رنگ سیاه و صلح بودن را در اسلام هراسی و شیعه هراسی و ایران هراسی هم معنا کرد. ضمن اینکه در تصویر پشت جلد که مثلث جدا شده توانسته در دل پرچم جا بگیرد. رنگ سیاه تبدیل به رنگ سفید شده است که بی‌تردید لازم است در طراحی جلد دقت بیشتری شود چرا که هنر اندیشه است در قالب تصویر.